خداحافظی با اوتاکارکلیما ایرانشناس جهانی چک اسلواکی

گزارشگر : یرژی بچکا

مترجم : عبادیان، محمود

روز ششم ژانویه 1989 ماسم ساده سوگ و وداع با اوتاکار کلیما دانشمند جهانى چک اسلواکى برگزار شد.او در همان روزى چشم از جهان بست که بیست سال پیش استادش«یان ریپکا»به جهان زندگانى بدرود گفت.

عمده محتواى سراسر زندگانى علمى اوتاکار کلیما در کوشیشى خلاصه تواند شد که او در راه تبیین شکل راستین تفکر وزندگى در ایران پیش از اسلام پیش گرفته بود.کار- افزارش در این کار فقه اللغه بود.

او خاورشناسى را در نزد استادانى همچون«فردریک هروزنى» ynzorH ، «وینسنس لسنى» ynseL ecnecniV ، یان ریپکا، «فلیکس تاوئر» reuaT و گروهى دیگر از دوستان و استادان دانشکده فقه اللغله دانشگاه چارلزپرک آموخت.در زمره این دوستان آقاى هوانس حقنظریان، شهروند ارمنى ایرانى بود که از نیمه سالهاى بیست قرن میلادى کنونى در پراک تحصیل کرد و سپس استاد دانشگاه تهران شد.

تا 45 سالگى چیز زیادى ننوشت-چند مقاله، مدخل دایرة المعارف و نقد کتاب.

در همان سال 1945 سخنرانیش درباره‏تاریخ بندى زرتشت که در یکى از نشستهاى علمى هفتگى انسیتوى خاورشناسى ایراد کرد، توجه صاحبتظران را به خود برانگیخت. در همین انستیتو بیست سل کار کرد و سپس بازنشسته شد.عمده فعالیت خودرا در آن صرف اداره بخش خاورنزدیک و دبیرى مجله شرقشناسى و مانند آن کرد.پس از ورود به انستیتو به بهره‏گیر از معلومات اندوخته خویش پرداخت.دهها مقاله به زبانهاى گوناگون در نشریه«آرشیو مشرق زمین»و در دیگر مجله‏ها و نشریه‏هاى علمى نوشت.در سال 1960 ونان نخستین خاورشناس چک اسلواکى از تز خودبا عنوان«مزدک-تاریخ یک جنبش جتماعى در ایران ساسانى»(پراک1957)دفاع کرد.بناى این نوشته پژوهشى کسترده و ژرف براساس علم فقه اللغه است.این کتاب با آنکه یادآور کوششى مبتنى بر سنت کریستنسن و دیگر پژوهندگان در این موضوع پژوهشى است، ولیدر ضمن معرف رویکرد انتقادى او به دستاوردهاى پژوهشیتا زمان خود است.دومین کتاب پژوهشى او نیز داراى اهمیت خاص است:«روزگار و زندگى مانى» (nebeL dnu tieZ sinaM) از سال 1962. این کتاب نشان داد که کلیما ازشناخت تخصصى درباره جنبشى بهره‏مند است کهاز قرن سوم میلادى ایران را دربرگرفته و از آنجا به خاور و باختر دامنه یافت، به فرانسه و بالکان رسید و بسا که عناصرى از خود نیز به جنبش مردمى تندروان چک اسلواکى در قرنهاى چهارده و پانزده بخشید.و شهرت علمى او تاکار کلیما از مسائل ایران وقتى آشکارتر شد که نوشته بعدى او:

mumsakadzaM ethcihcseG ruz egartieB (تشریک مساعى به تاریخ مزدک گزایى) در سال 1977 انتشار یافت.این نوشته خاصل تکمیل و تصحیح نظریه‏هاى کلیما درباره مزد و نظرات تازه در آن باره بود.روش اوتاکار کلیما در بررسیهاى تاریخى این بود که از تحلیل متون اصلى سرآغاز گیرد، نخست معنى کلمه‏ها را تبیین و تغییرات معنى شناختى آنها را معین کند، زیرا بدون شناسایى مفهوم از لحاظ شکل‏گیرى و کاربردش در متن، بررسى در اساس نامطمئن مى‏ماند.

در دیگر مقاله‏ها و بررسیهاى خود مى‏کوشید روى مسایلى کار کند که در انتظار پاسخ و زمینه پژوهش در آنها باز بود.یکى از آنها در این باره بود که تاریخنویسى در ایران پیش از اسلام چگونه بوده است؛جنبه‏هاى مختلف زندگى معنوى و مادى ایرانیان باستان و دیگر ملتهاى کهن خاور نزدیک یکى دیگر از موضوعهاى اشتغال اوتاکار کلیما بود.در کتاب «شناخت علمى زبانهاى معاصر»فصلى وجود دارد که نشانگر علاقه پیگیر کلیما به اهمیت مطالعه تاریخى و تطبیقى در زبانهاى ایرانى معاصر است(پراگ 1958).در عین حال اوتاکار کلیما مؤلف بخش پیش از اسلام«تاریخ ادبیات ایران و تاجیک»است که اثرى سترگ از قلم ایران‏شناسان چک‏اسلواکى به رهبرى یان ریپکاست.در این بخش کلیما به معرفى و تشریح آثار دینى، فرهنگ و ادبى کهن ایران پرداخته است.این بخش در لایپزیک به آلمانى، در هلند به انگلیسى منتشر شد؛سپس به لهستانى، روسى و در تهران به فارسى ترجمه و چاپ شد.از دیگر آثار کلیما نیز برخى به فارسى برگردانده و چاپ شده است: مزدک-تاریخ یک جنبش اجتماعى؛بعضى مقاله‏هاى او در جهان نو(1970)، هنر و مردم (1969 و 1972)، هوخت(1971)و دیگر مجله‏ها درج گردید.

اوتاکار کلیما نوشته‏هایى به زبان علمى و ساده دارد؛ولى نمى‏توان مرز دقیقى بین‏شان کشید.در سال 1964 تجربه‏هاى پژوهشى خودرا در یک تکنویسى درباره زردشت منتشر کرد.این کتاب هاوى اطلاعات پژوهشى به زبان ساده درباره روزگار، شخصیت و آموزه- هاى این پیامبر کهنترین است که حاصل واپسین نتایج پژوهش در این باره مى‏باشد.از سال 1977 اوتاکار کلیما به آنچه اصطلاحا تاریخ اختصاصى ایران نامیده مى‏شود.«شکوه و افت تمدن ایران باستان»یکى از نتایج پژوهش تاریخى او است.در در مقدمه پیشگفتار آن مى‏نویسد:

یر از آن تأسى به شیوه روایت یونانى در عهد باستان است تا بتوان منابع و گنجینه یونان و مشرق‏زمین را به مایه‏هاى روایى دسترس پذیر کرد و به کمک آن چیزى را آشکار کرد که به آن«ویژگى بارز بومى» (icol suineg) مى‏گویند.این کتاب در آینده نزذیک در لایبزیک به آلمانى انتشار خواهد یافت.

اوتاکار کلیما ضمنا به نیاز اطلاعاتى خوانندگان نوشته‏هاى خود توجه داشت.بر همین اساس، ترجمه‏هایى از آثار سنگ نبشته‏هاى پارسى باستان، گزیده‏هایى از منتهاى اوستایى و پهلوى را در یک مجموعه مفصل به نام«در مسلخ آتش»(پراگ 1985)ترجمه و چاپ کرد. خواننده در آن پس از خواندن پیشگفتار مفصل و روشنگر با گزیده‏اى از سنگ نبشته داریوش بزرگ در بیستون، قسمتهاى مهم و شایان توجه از اوستا و پاره‏هاى بسیارى از منتهاى پارسى میانه، همچون«کتاب کارنامه اردشیر بابکان»، «دینکرت»، «هندرزها»و غیره آشنا مى‏شود.او به ازاى این کتاب به دریافت جایزه مؤسسه نشریاتى«ادئون» (noedO) نائل شد.اوتاکار کلیما بخش بزرگى از کتاب دیگر خود به نام«سرچشمه‏هاى زندگى»را به بررسى گرایشهاى فکرى در ایران باستان اختصاص داد که مطالبش ترجمه از منتهاى کهن است.نویسنده در آن کوشیده است تصویرى از انسان و جهان آنچنان‏که از گنجینه آثار فهنگهاى باستان مردمان برمى‏آید، ترسیم کند(پراگ 1982).

گذشته از اینها اوتاکار کلیما دهها مقاله در نشریه«شرق نو»(از سال سوم به بعد) نوشت و کوشید راهى به اندیشه و منش زندگانى مردمان بگشاید-نوشته‏هایى که گهگاه به لطیفه نیز گراییده است.براى مثال«نقش ماه در زندگى انسان ایران باستان» (1953)یا توضیح«بازى شطرنج»(1956)و چندین مقاله‏دیگر.

به موجب درخواستى که کرده بودند اوتاکار کلیما به بررسى در تاریخ دیرین باستان پرداخت و آن را در سال 1979 منتشر کرد.فصل‏هایى از این تاریخ به مادها و فارسها و امپراتورى ساسانى اختصاص یافته.او همچنین یکى از تشریک مساعى‏کنندگان به serutaretiL latneirO fo yranoitciD (فرهنگ ادبیات شرقى)بود که در سال 1974 در لندن انتشار یافت.در این فرهنگ از آنچه که از منابع باستان در دایرة المعارف-هاى چک اسلواکى آمده است نیز گزارش شده است.

اوتاکار کلیما مصالحى انبوه براى نگارش فرهنگ پارسى باستان فراهم آورد. گزارشى که در آن باره به کنگره خاورشناسى دهلى در سال 1968 داد، نشان مى‏دهد که تا 30000 مدخل ان را آماده کرده بود.اما سپس به این نتیجه رسید که چاپ نین فرهنگى نیازمند همکارى بن المللى است.کوششهى زیادى براى جلب همکارى در این باره کرد، ولى به نتیجه نرسید.با این همه امیدى هست که این فرهنگ تکمیل و چاپ گردد.

اوتاکار کلیما شخصیتى بود، برى از خودنمایى و بسیار فروتن.او رشته و کارهاى علمى خود را به رخ دیگران نمى‏کشید، کمتر از آن از مقام علمى خود چیزى مى‏گفت.از او براى شرکت در بسیارى از کنگره‏ها دعوت مى‏کردند؛او تنها در برخى از آنها شرکت مى‏کرد:در ایران، هند، لهستان، مجارستان، جمهورى دموکراتیک آلمان، در جمهورى فدرال آلمان، در دانمارک، نروژ و ایتالیا در کنگره‏ها سخنرانى کرد. اوتاکار کلیما مقام و مرجعى استوار در خاورشناسى چک اسلواکى و جهانى و به‏طور کلى در علوم یافت.جاى تأسف است که فرصت نیافت جانشینى در رشته خود پرورش دهد.

ایران شناسان و همکاران اوتاکارکلیما بى‏گمان از وى چونان همکارى محبوب و افتاده یکتا یاد خواهند کرد، از مردى که صاحب معلومات و در ضمن انسانى با نگرش نافذ و نکته سنج بود.

ترجمه از«شرق نو»(شماره 4/1989) محمود عبادیان